



پژوهشی در امکان تعمیم ادله اثبات جرم

مؤلف:

حسین داورزنی

(عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی)

دانشگاه تهران



نشر اشدین
Ashdina Publications

WWW.Ketab.ir

سرشناسه	: داورزنی، حسین، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: پژوهشی در امکان تعمیم ادله اثبات جرم/ حسین داورزنی.
مشخصات نشر	: تهران : راشدین، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۶ ص.
شابک	: 978-600-361-068-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: جرم‌پایی
موضوع	: جرم‌شناسی
موضوع	: ادله و شواهد (حقوق)
موضوع	: ادله و شواهد (فقه)
موضوع	: ادله و شواهد قابل پذیرش
موضوع	: جرم‌پایی-- نوآوری
رده بندی کنگره	: HV۷۳۳۸.۱۳۹۳۸۰۴ پ۴/د۲
رده بندی دیویی	: ۲۵/۳۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۸۷۴۱۹



انتشارات راشدین

عنوان کتاب: پژوهشی در امکان تعمیم ادله اثبات جرم

مؤلف: حسین داورزنی

نظارت کیفی: راهب عارفی

نظارت فنی: محمد معین عارفی

صفحه آرا و طراح جلد: افسانه حسن بیگی

چاپ و صحافی: دی تاپ

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۰۶۸-۲

قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶

تلفن / نمابر: ۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۴۹۲۶۹۴

پایگاه اینترنتی: www.rashedin.com

پست الکترونیک: Email: rashed1829@yahoo.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	سخنی درباره این پژوهش
۹	مقدمه
۲۱	جایگاه تحقیق
۲۵	بخش اول: کلیات
۲۶	فصل اول:
۲۶	مفاهیم مقدماتی
۲۶	مبحث اول: مفهوم امکان
۲۷	اقسام امکان
۳۷	مبحث سوم: تغییر احکام بر اساس تغییر مصلحت
۴۰	فصل دوم:
۴۰	مفهوم تعمیم
۴۰	مبحث اول: قیاس
۴۱	تعریف قیاس و عناصر آن
۴۲	ویژگیهای امامیه در باب قیاس
۴۳	مبحث دوم: تعمیم فقه بر اساس توسعه علی اختصاصی احکام
۵۳	فصل سوم:
۵۳	تبیین مفهوم دلیل و ماهیت آن
۵۳	مبحث اول: مفهوم دلیل
۵۶	مبحث دوم: تقسیم دلیل
۵۹	مبحث سوم: مقایسه ادله ی اثبات دعوی در دعاوی حقوقی و کیفری
۶۵	فصل چهارم:
۶۵	مفهوم و ماهیت اثبات
۶۵	مبحث اول: مفهوم اثبات
۶۹	نقد و بررسی
۷۱	مبحث دوم: اهمیت اثبات
۷۲	مبحث سوم: اثبات در فقه اسلامی و قوانین موضوعه
۷۸	فصل پنجم:
۷۸	مفهوم و ماهیت جرم

۷۸	مبحث اول: معنی و مفهوم جرم
۷۹	جرم در اصطلاح حقوقدانان:
۷۹	جرم در اصطلاح حقوق جزایی اسلام
۸۰	مبحث دوم: ارکان عمومی تشکیل دهنده جرم
۸۸	خلاصه مطلب
۹۱	بخش دوم: توفیقی بودن ادله اثبات جرم در دعاوی کیفری و نقد آن
۹۲	دیدگاه فقها پیرامون حصری بودن ادله اثبات جرم
۹۳	فصل اول:
۹۳	بررسی اجمالی آرای فقهاء در حصری بودن ادله اثبات جرم
۹۵	مبحث اول: آیات
۱۰۰	مبحث دوم: روایات
۱۰۲	روایت دوم
۱۰۳	روایت سوم
۱۰۶	روایت چهارم
۱۰۷	روایت پنجم
۱۰۹	روایت ششم
۱۰۹	روایت هفتم
۱۱۹	فصل دوم:
۱۱۹	در مظان اتهام بودن قاضی
۱۲۲	فصل سوم:
۱۲۲	قاعده درأ
۱۲۲	مبحث اول: مدرک و مستند قاعده
۱۲۳	مبحث دوم: کاربرد قاعده درأ
۱۲۵	ملاک در عروض شبهه
۱۲۷	مبحث سوم: شمول قاعده
۱۲۷	دامنه شمول قاعده
۱۳۳	بخش سوم: دلایل عدم توفیقی بودن ادله اثبات جرم
۱۳۴	بررسی تعمیم ادله اثبات جرم
۱۳۸	روایت نخست

۱۴۱	دلالت روایت
۱۴۲	سند روایت
۱۴۶	دلالت و سند روایت
۱۵۷	روایات اهل سنت
۱۶۴	فصل دوم:
۱۶۴	طریقیت ادله اثبات از نظر بینه و علم قاضی
۱۶۷	روایات مؤید بینه به مفهوم خاص
۱۷۰	بینه به مفهوم عام
۱۷۳	مبحث دوم: قضاوت با یک شاهد و سوگند
۱۷۵	مبحث سوم: قبول شهادت یک نفر
۱۷۷	فصل سوم:
۱۷۷	علم قاضی
۱۷۸	مبحث اول: حجیت مطلق علم قاضی
۱۸۰	نظر شیخ طوسی
۱۸۴	نظر قطب الدین کیدری
۱۸۴	نظر محقق حلی
۱۸۴	نظر علامه حلی
۱۸۵	نظر فخر المحققین
۱۸۵	نظر شهید اول
۱۸۶	نظر شهید ثانی
۱۸۷	نظر صاحب ریاض
۱۸۸	نظر صاحب جواهر
۱۸۸	نظر شیخ مرتضی انصاری
۱۸۹	مبحث دوم: عدم حجیت مطلق علم قاضی
۱۹۰	توجیه شهید ثانی
۱۹۱	مبحث سوم: حجیت علم قاضی فقط در حقوق الناس:
۱۹۳	نظر ابو صلاح حلبی
۱۹۵	نظر ابن حمزه طوسی
۱۹۵	نظر شیخ طوسی در نهایت

۱۹۶	آراء فقهای اهل سنت
۱۹۸	مبحث چهارم: دلایل حجیت مطلق علم قاضی
۱۹۸	استدلال به عمومات
۲۰۳	مبحث پنجم: جایگاه و اعتبار علم قاضی در قوانین موضوعه
۲۰۴	اعتبار علم قاضی در حقوق موضوعه
۲۰۵	نظریه دوم
۲۰۸	مبحث ششم: بررسی مفهوم علم
۲۱۱	مفهوم علم عادی
۲۱۲	ارزش یابی علم عادی
۲۱۵	مبحث هفتم: اطمینان در عرف فقها و حقوقدانان
۲۱۸	مبحث هشتم: کشف واقع و یقین فلسفی یا فصل دعاوی و علم عادی
۲۲۰	مبحث نهم: طریقت یا موضوعیت داشتن علم قاضی
۲۲۵	صلاحیت قاضی در تعیین ارزش اثباتی ادله
۲۲۷	بخش چهارم: راه‌های حصول علم قاضی و تعمیم ادله اثبات جرم
۲۲۸	مقدمه اول: اصل در قضاء
۲۳۵	فصل اول:
۲۳۵	معاینه‌ی محل جرم و تحقیقات محلی
۲۳۶	معاینه محل در فقه اسلامی
۲۳۸	دلیل معاینه محل
۲۳۹	مبحث سوم: تحقیقات محلی و شهادت مطلعین
۲۳۹	معنی و مفهوم استفاضه
۲۴۶	بررسی میزان تحقیق محلی و شهادت
۲۴۷	ترتیب استفاده از تحقیق محلی
۲۴۹	مبحث چهارم: تفاوت شهادت و گواهی مطلعان
۲۵۳	فصل دوم:
۲۵۳	استناد به قراین و امارات در اثبات جرم
۲۵۶	قرینه در فقه و حقوق اسلامی
۲۵۸	مبحث دوم: حدود اعتبار قراین
۲۶۲	دلایل موافقان استناد به قراین

۲۶۸	می‌بحث سوم: احکام امیر المؤمنین علیه السلام بر اساس قراین
۲۷۸	می‌بحث چهارم: امتیاز قضاوت‌های امیر المؤمنین علیه السلام
۲۷۹	می‌بحث پنجم: معنی و مفهوم امارات
۲۸۲	نظر کارشناس اماره است یا دلیل
۲۸۴	می‌بحث ششم: حجیت و اعتبار امارات
۲۸۷	می‌بحث هفتم: علم قاضی و مبادی همگانی
۲۸۹	فصل سوم:
۲۸۹	علم قاضی و کشف علمی جرایم
۲۹۴	پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی
۲۹۹	میزان اعتبار پزشکی قانونی
۳۰۰	می‌بحث دوم: تعیین هویت (تشخیص هویت)
۳۰۱	تاریخچه انگشت نگاری
۳۰۳	انواع انگشت شماری
۳۰۴	لکه‌های خون و نقش آنها در تشخیص هویت
۳۰۵	تشخیص جرایم پزشکی
۳۰۶	تشخیص و احراز آسیبهای نامحسوس با آزمایشها
۳۰۷	می‌بحث چهارم: پزشکی قانونی و مرگ مغزی
۳۰۸	فصل چهارم:
۳۰۸	کارشناسی
۳۰۸	می‌بحث اول: نظریه کارشناسی
۳۱۰	می‌بحث دوم: مستندات فقهی نظریه کارشناسی
۳۱۳	می‌بحث سوم: رابطه کارشناسی و شهادت
۳۱۴	می‌بحث چهارم: ضابطه تشخیص شهادت
۳۱۶	می‌بحث پنجم: مستند شهادت
۳۱۸	می‌بحث ششم: شرایط شهادت در اهل خبره
۳۲۱	می‌بحث هفتم: جمع بندی دیدگاه های فقهی
۳۲۷	منابع فارسی و عربی

سخنی درباره این پژوهش

اکثر فقهاء، برای اثبات جرم، ادله محدود و مشخصی را که عبارتند از: اقرار، بینه، قسامه و علم قاضی، بیان کرده‌اند، اما با پیشرفت و گسترش علوم تجربی در زمینه‌های مختلف، روش‌های علمی و تجربی جدیدی مانند پزشکی قانونی، انگشت‌نگاری، علوم آزمایشگاهی (برای تجزیه لکه‌های خون، تعیین گروه خونی و نوع سم و میزان مصرف الکل)، برای اثبات جرم پدید آمده‌اند که همه در کشف حقیقت و حصول اقرار وجدان قاضی و اتخاذ تصمیم عادلانه وی مؤثرند. و می‌توانند به‌عنوان ادله جدیدی برای اثبات دعوی کفری قرار بگیرند. و در رسیدن به حق و عدالت و کشف حقیقت مفید واقع شوند، ولی از جهت دیگر التزام به شرع، مقتضی تحصیل جواز تمسک به این گونه ادله اثبات جرم می‌باشد.

از نظر فقه و فقها، چهار دلیل ذکر شده، حجیت تجویز تمسک برای کشف حقیقت و اثبات جرم را دارند، ولی از آن جا که بسیاری از این ادله در اعصار پیشین وجود نداشته یا شناخته شده نبوده، سببی برای تعرض و اشتغال ذهن فقها برای بحث از تجویز یا عدم آن تمسک به این گونه ادله نبوده است، اما در عصر حاضر با پیدایش شیوه‌های جدید کشف حقیقت، بازخوانی ادله شرعی اثبات جرم به منظور بررسی، امکان تعمیم ادله موصوف، ضرورت پیدا کرده است.

از این رو، هدف اصلی در این نوشتار بررسی فقهی تعمیم ادله اثبات دعوی در امور کیفری و قوانین موضوعه است.

پیش فرض اساسی در این موضوع، بر دو اصل بنا شده است: ۱- در فقه اسلامی ادله اثبات جرم محدود به موارد مطرح در منابع شرعی نیست. ۲- از لحاظ فقهی تعمیم ادله اثبات جرم با توسل به ادله علمی و علوم آزمایشگاهی امکان‌پذیر است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به اقتضای ماهیت انقلاب و تأکید اصل چهارم قانون اساسی، که قوانین موضوعه باید بر اساس مقررات شرعی تدوین گردد. به این لحاظ تغییرات اساسی و مهمی در سیستم قانونگذاری به ویژه در وضع قوانین کیفری صورت گرفت. ابتدا با تشکیل محاکم انقلاب اسلامی، قضات این دادگاهها با استناد به منابع فقهی، مقررات کیفری اسلامی را در مورد پاره‌ای از جرایم اجرا کردند. با تصویب قانون اساسی و تصویب اصل ۳۶ و ۱۶۹ و بند ۴ اصل ۱۵۹ و تکلیف قانونگذار به تدوین قوانین کیفری و الزام محاکم به اجرای حدود و قوانین مدون کیفری اسلام، قوه مقننه با پیشنهاد شورای عالی قضایی که عالی‌ترین رکن قوه قضاییه تلقی می‌شد، قوانین راجع به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات را در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به عنوان مجموعه قانون مجازات اسلامی به تصویب نهایی رسید.

در قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم، که برگرفته از فتاوی‌ای حضرت امام خمینی، قدس سره، در تحریر الوسیله و دیدگاه مشهور فقهای عظام امامیه است عبارتند از:

۱ - اقرار ۲ - بی‌بینه ۳ - علم قاضی ۴ - قسامه

با گسترش علوم تجربی، پس از تجدید حیات علمی در اروپا، علم حقوق نیز از تأثیر این پیشرفت برکنار نماند و در مسیر روش علمی قرار گرفت و فلسفه حقوق نیز به موازات آن حرکت کرد. اما فلسفه حقوق امروز، بیشتر سازشی است میان مکتب‌های گوناگونی که به‌طور مطلق و مجرد متعارض به نظر می‌رسند. امروزه به جای تقویت جنبه‌های نظری بیشتر تکیه بر جنبه‌های عملی صورت می‌گیرد. زیرا کلیات نمی‌توانند مدت زیادی در برابر منطقی قوی واقعیات مقاومت نشان دهند. مکتب‌هایی که در وضعیت‌های خاص و معینی پدیدآمده‌اند، در برابر واقعیات و مقتضیات زمان رنگ باخته و از ارزش و اعتبار آنها کاسته می‌گردد.

امروزه در حقوق غربی به جای هواداری از یک مکتب خاص، نظر حقوقدانان بر آن است که از دستاوردهای همه مکاتب با توجه به علم آمار و نتیجه‌گیری‌های آن بهره‌گیری کنند. ارزیابی این کیفیت‌ها و کمیت‌ها با توجه به نقش دستیاری کارشناسان مربوطه، روش‌های تحقیق را برای اطمینان به درستی و قابلیت هماهنگی عملی آن‌ها، یکسره دگرگون کرده و تحت تأثیر خود قرار داده است؛ زیرا نزدیکترین راه برای درک حقیقت، روبرو شدن با واقعیت‌هایی از زندگی است که موجب یافتن راه حل‌های عینی می‌شود. هر چند بخش‌بزرگی از حقوق هنوز جنبه کیفی دارد و از قلمرو علم آمار بیرون نیست، اما روز به روز با توجه به روش‌های آمار تحلیلی به آن‌ها جنبه کمی داده می‌شود. و پایه مکتب‌های حقوقی را، اغلب اندازه‌گیری‌های کمی و دستاوردهای اقتصادی تشکیل می‌دهد و دیگر این عقیده که امروز دیگر این علوم را به مجرد تعقل و صرف استدلال می‌توان شناخت، طرفداری ندارد. حقوق وامدار و خریدار علوم تجربی و عقلی است. هر کشف تازه و نظریه جدید در این دانش‌ها به تحول حقوق کمک می‌کند و به دگرگونی آن خواهد انجامید.

در اثبات این ادعا کافی است نگاهی به برخی از دوره‌های تکامل طرق اثبات جرم انداخته شود. یکی از این دوره‌ها، دوره دلایل قانونی بود. در این دوره مأموران کشف جرم به هر وسیله‌ای سعی می‌کردند از متهم اقرار بگیرند. زیرا اقرار، دلیلی قانونی و عمدۀ بود و در بازجویی گاه به حیله و نیرنگ و گاه به شکنجه و زور متوسل می‌شدند؛ دادرسی نیز غیر علنی، غیر تدافعی و شفاهی بود؛ در حالیکه علنی، تدافعی و کتبی بودن دادرسی، از وثایق امنیت قضایی و از اصول غیرقابل تردید حقوق بشر است.

بعدها پژوهش‌های روان‌شناسی نشان داد که بسیاری از اقرارها و شهادت‌ها - به سهو یا به عمد - دروغ و بی‌اساس بوده و از آن‌جا که با تفاوت‌ترین افراد نیز ممکن است - حتی از روی حسن نیت - به دروغ شهادت دهند، بنا بر این حکمی هم که بر مبنای آن صادر

شده بر خلاف حق و عدالت بوده است؛ زیرا عواملی چون: تهدید، تطمیع، فریب، ارعاب، نیرنگ یا قرابت و دوستی شدید با متهم، یا امراض روحی و روانی از قبیل: جنون، شهرت طلبی، و یا انگیزه‌های اجتناب‌ناپذیری چون رهایی از شکنجه‌های غیر قابل تحمل و... همگی به سهولت، «متهم» و یا «شاهد» را وادار به اقرار و یا بخصوص در مورد «شاهد» او را ناگزیر از شهادت دروغ می‌کرده‌است. از این رو اقرار و گواهی، قاطعیت و موضوعیت خود را از دست داد. و در مسیر نیل به حقیقت قضایی، تا حد یک وسیلهٔ نسبی تنزل کرده، جنبهٔ طریقت به خود گرفت. چنان‌که اصولاً در قوانین شرعی نیز دلایل، جنبهٔ طریقت دارد نه موضوعیت و دست قاضی در ارزیابی و سبک و سنگین کردن دلایل باز است.

«ولتر» فیلسوف فرانسوی در قرن هیجدهم از جمله کسانی است که شیوهٔ قاطع بودن اقرار و گواهی را سخت مورد انتقاد قرار داد و آن را مخالف با عدل و انصاف دانست. علاوه بر آن با انتقادهایی که از سوی سایر افراد به این روش صورت گرفت، دورهٔ روش «دلایل قانونی» جای خود را به دورهٔ «دلایل معنوی» یا «اقتناع وجدان قاضی» داد. این جایگزینی عمدتاً به این دلیل است که غالباً افراد مردم در نشان دادن حالات روانی خویش صادق نیستند و همه یک نوع علامت را به کار نمی‌برند. از این رو در حقوق امروز، به خصوص دست قاضی جزایی در ارزیابی دلایل باز است. هر چند قاضی حقوقی نیز می‌تواند دلایل را ارزیابی کند و ارزش و اعتبار شهادت، بسته به نظر اوست، ولی بیشتر از قاضی جزایی پای بند دلایل است. در حقوق امروز قاضی جزایی حتی می‌تواند متهمی را که به جرم خود اقرار کرده بر اساس دلایل دیگر تبرئه کند. لذا اقتناع وجدانی در امور کیفری باید همواره به نفع متهم تفسیر شود.

در یک قرن اخیر اکتشافاتی در علوم پدید آمده که موجب شده برخی دورهٔ دیگری را در دلایل حقوقی و کیفری پیش بینی کنند که در آن «دلایل علمی» جایگزین «دلایل

قانونی» و یا «دلایل معنوی» شود و افراد متخصصی چون طبیب، روان شناس و جرم شناس به عنوان کارشناس مؤثر، دستیار قاضی شوند. مبنای این فرضیه، تجربه‌های علمی اواخر قرن گذشته درباره وقوع جرم، هم از لحاظ دلایل و هم از جهت عوامل فردی و اجتماعی است. روان‌شناسی با همه شاخه‌های آن، پزشکی قانونی و روان‌پزشکی، استفاده از ضبط صوت، استفاده از فیلم و وسایل مخابراتی، انگشت‌نگاری، داروسازی، شیمی و کالبد شکافی جسدی که فوتش مشکوک است و ... همه در پدید آمدن دوره «دلایل علمی» مؤثر خواهند بود. اما علی‌رغم همه موارد مذکور، هنوز در قوانین دنیا قاضی مکلف به تبعیت از نظر کارشناس نیست. نظر کارشناس جنبه طریقت دارد نه موضوعیت. لذا در صورتی که عقیده کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مسأله موافقت نداشته باشد، دادگاه خود را ملزم به متابعت از آن نمی‌کند؛ زیرا چه بسا کارشناس در ارائه نظریه کارشناسی خود دچار اشتباه علمی و یا تهدید و تطمیع شده باشد. با این وجود در حال حاضر و در دنیای کنونی کارشناسی در عمل جای خود را باز کرده و پایه بسیاری از احکام دادگاه‌ها را تشکیل می‌دهد؛ زیرا دلایل کتبی مثل اسناد و مراسلات و علانم مادی واقعه، به مراتب قوی‌تر از شهادت یا اقرار انسانی تلقی شده و فاقد ضعف‌هایی است که در آن‌ها وجود دارد. در واقع اسناد کتبی شهود صامت قضیه‌اند و در عین حال صادقاته سخن می‌گویند.

از لحاظ ماهیت حقوقی کارشناسی عبارت است از شهادت به معنی اخص. شهادی که اطلاعات فنی و تخصصی خود را در اختیار قاضی قرار می‌دهد. اطلاعاتی که قاضی قادر به تشخیص آن‌ها نیست و یا تشخیص آن وی را از کار اصلی باز می‌دارد و بر به همین دلیل در این حوزه نمی‌تواند دخالت کند. چنان که معلوم است کارشناسی، تقریباً تمامی علمی را که با اجتماع و انسان رابطه مستقیم داشته و انواع مختلف دارد، در بر می‌گیرد. از

قبیل: پزشکی و شاخه‌هایی از آن چون روان‌شناسی و داروسازی؛ عکاسی، مهندسی، حسابداری خط‌شناسی و...

با عنایت به آن چه گفته شد به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن تجلیل شایانی که اسلام از علم و علم‌آموزی داشته و در بسیاری از آیات تفکر، ادراک و اندیشه را به منظور کسب علم سفارش کرده و مورد تأکید قرار داده است، باید از دلایل علمی به دست آمده در عصر حاضر به طور شایسته استفاده عملی صورت پذیرد. و بدیهی است در حوزه حقوقی که رعایت عدالت و انصاف در مورد افراد که موضوعیت و اولویت اول را داراست و بنا به فرمایش قرآن کریم فلسفه ارسال رسل برقراری قسط و داد بوده، باید به مراتب بیشتر جنبه کاربردی به خود گیرد. ارائه دلایل علمی از این نظر نه تنها منافاتی با قوانین شرعی اسلام ندارد، بلکه بیانگر به روز بودن دین به عنوان پاسخگویی مناسب نیازهای بشری در تمامی اعصار، بوده و جلوه شایسته‌ای از مترقی بودن شرع مقدس اسلام به شمار می‌رود.

مباحث مقدماتی

موضوع بحث، «پژوهشی در امکان تعمیم ادله اثبات جرم» است، قبل از شروع به مباحث تفصیلی در این باب، به جاست که تحقیق محلی ارائه شود. در این مبحث به ترتیب در باره اهمیت تحقیق، پیشینه تاریخی، جایگاه، عنوان و روش آن سخن به میان خواهد آمد.

اهمیت تحقیق

یکی از موضوعات قانون اصول محاکمات جزایی یا آیین داری کیفری، ادله اثبات جرم است. دلیل وسیله اثبات واقعیت است. بنابراین ادله اثبات در امور کیفری از اهمیت و ویژگیهای خاصی برخوردار است؛ زیرا ارتکاب جرم موجبات اختلال در نظم جامعه و امنیت عمومی را فراهم می‌آورد و هدف دعوی کیفری کشف حقیقت و شناسایی مجرم واقعی به منظور اعمال مجازات قانونی است. و مجازات می‌تواند عامل مهمی در پیشگیری

از جرم باشد، به این معنا که هم جلوی تکرار جرم را می‌گیرد و هم اساساً مانعی فراروی افراد در ارتکاب جرم است.

از آنجایی که اثبات جرم و تحقق محکومیت کیفری در هیچ نظام حقوقی بدون دلیل امکان‌پذیر نیست. لذا به طور یقین دلایل اثبات جرم در حقوق جزا نقش اساسی داشته و به لحاظ اهمیت فوق العاده آن، بخش عمده‌ای از مباحثات علمی در زمینه مسایل کیفری به تحلیل اصول و قواعد آن اختصاص یافته است. در بحث قواعد حاکم بر دلایل کیفری آنچه بیشتر به بحث و اظهار نظر علمی انجامیده است، نقش وظیفه اقامه دلیل در دعوی کیفری است؛ زیرا محاکم قضایی فقط حقوقی را می‌پذیرند که دارنده آن حق، بتواند وجود آن را بادلایل اثبات کند. حق مورد ادعا که محل اختلاف باشد و نتواند ثابت شود، فاقد اثر است.

پیشینه تاریخی ادله اثبات جرم

از نظر تاریخ حقوق جزا، ادله اثبات در امور کیفری تا کنون چهار مرحله را سپری نموده است که عبارتند از: دوره دلایل آزاد، دوره دلایل قانونی، دوره دلایل معنوی یا اقتناع وجدان قاضی و دوره دلایل علمی که به معرفی و بیان خصوصیات آنها می‌پردازیم.

الف) دوره دلایل آزاد

در این دوره ارزش و اعتبار دلیل به نظر حکام و رؤسای قبایل بستگی داشت. اماره برائت شناخته نشده بود. متهم می‌بایست بی گناهی خود را اثبات می‌کرد. بی گناهی یک امر عدمی است و اثبات آن مشکل می‌باشد و به تنهایی قابل اثبات نیست. در حقیقت، دستور به اثبات یک امر عدمی، تکلیف مالا یطاق می‌باشد.

برای اثبات بی گناهی، راهی نمی‌شناختند جز این که متهم را وادار نمایند که به آزمایش‌های خارق العاده و ماوراء الطبیعه متوسل شود. ریختن سرب گداخته بر روی بدن متهم، یا مجبور کردن او به راه رفتن میان شعله‌های آتش، شنا در رودخانه یا دست‌های

بسته امور متداولی بود. آنان انتظار داشتند تا این گونه آزمایش‌ها، بزهکاری یا بی‌گناهی متهم را آشکار کنند؛ بدین معنی که اگر متهم بی‌گناه باشد جان سالم به در می‌برد و هرگاه بزهکار باشد در میان شعله‌های آتش می‌سوزد یا در رودخانه غرق می‌شود که در این صورت به مجازات عمل از تکاپی می‌رسد. تاریخ از این نوع آزمایش‌ها نمونه‌های فراوانی ثبت کرده و به خاطر دارد.^۱

در ادبیات کشور ما داستان عبور سیاوش از خرمن بزرگی از آتش را در شاهنامه می‌توان شاهدی بر رواج این نوع آزمایش‌های ایزدی به عنوان دلیلی اثباتی دانست؛ زیرا سیاوش که در مظان اتهام رابطه نامشروع با سودابه قرار گرفت، از خرمنی از آتش گذشت و چون بی‌گناه بود، از آتش سالم بیرون آمد و آسیبی به او نرسید.^۲

چنین است سوگند چرخ بلند - که بر بی‌گناهان نیاید گزند

چو بخشایش پاک یزدان بود - دم آتش و آب یکسان بود

این آیین که در زبانهای اروپایی اُردالی نامیده می‌شود بر این تفکر اشتباه استوار بوده که هرگاه متهم واقعاً بی‌گناه باشد ایزدان به یاریش می‌شتابند و او را نجات می‌دهند و متهم از آزمایش موفق و رو سفید بیرون خواهد آمد.^۳

به نیروی یزدان نیکو دهش - کزین کوه آتش نیام پیش

چنان آمد اسب و قباى سوار - که گفتی سمن داشت اندر کنار

(ب) دوره دلایل قانونی

بر حسب اقتضای این روش، دلایل اثبات هر جرم را باید قانون تعیین و معرفی نماید. درحقیقت، دلیل از عناصر تشکیل دهنده جرم به شمار می‌آید. بدون وجود دلیل تبیین شده

۱ - آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۵، ص ۶۱-۶۲.

۲ - طاهری بجد، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ص ۳۰۵.

۳ - همان، ص ۳۰۶.

از سوی قانون، جرم مورد نظر قابل اثبات نیست. مثلاً «سرقت» با شهادت دو نفر و یا با اقرار سارق و «زنا» با شهادت چهار مرد و یا چند بار اقرار مرتکب ثابت می‌گردید. به گواهی تاریخ استفاده از روش دلایل قانونی قرن‌ها به درازا کشید و در طول قرون وسطی حاکمیت داشته است، و یک روش متداول در دادگاههای تفتیش عقاید بود؛ حتی تا پیش از پیدایش انقلاب بزرگ (رنسانس) فرهنگی - اجتماعی اروپای غربی و ظهور مکتب‌های جدید حقوق جزا و تحول و دگرگونی‌های ناشی از آن در بسیاری از کشورهای جهان، آثار آن دیده می‌شد.

یکی از نکات مهم و بسیار جنجالی روش دلایل قانونی این بود که اقرار متهم به تنهایی برای اثبات هر جرمی کافی شمرده می‌شد، و در صورت اقرار متهم، قاضی از هر دلیل دیگری بی‌نیاز بود و می‌بایست او را محکوم می‌کرد.

به همین مناسبت مقامات قضایی و اجرایی می‌کوشیدند تا از متهم اقرار بگیرند. در این دوره اقرار، (شاه دلیل) به شمار می‌آمد و در امور کیفری همان ارزش و اعتبار اثبات کننده‌ای را داشت که امروزه در امور حقوقی دارد. به نظر می‌رسد شکنجه برای اخذ اقرار نیز از این دوره رواج یافته است؛ زیرا از یک طرف شاه دلیل شمرده می‌شد و از طرف دیگر مقامات قضایی اجرایی راه‌های عملی منطقی کشف و اثبات جرم را نمی‌دانستند. مضافاً به این که، بسیاری از افراد جامعه نیز به لحاظ داشتن ایمان قوی و باطنی حاضر نبودند تا شهادت کذب بدهند و یا سوگند دروغ یاد کنند. در این شرایط ساده‌ترین راه اثبات جرم توسل به شکنجه بود تا از متهم اعتراف بگیرند.

گاهی اذیت و آزار تحمیل شده به متهم، جهت گرفتن اقرار، از زجر حاصل از نفس مجازات شدیدتر بوده است. تاریخ نشان می‌دهد که آزارها و شکنجه‌های شدید بدنی و یا روحی، گاهی به مرگ انسان‌های بی‌گناه منجر می‌شد و زمانی نیز اعتراف‌های غیر واقعی به بار می‌آورد؛ که هر دو آزار دهنده و غیر انسانی بود. جان سپردن در زیر شکنجه‌های بی